

اعتبارسنجی انتساب روایت «حد مفتی» به علی بن ابی طالب علیه السلام:

جریان شناسی، بوم شناسی، تاریخ گذاری

^۱ سید محمد موسوی نسب مبارکه

^۲ اصغر منتظرالقائم

^۳ سید اصغر محمودآبادی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶

چکیده

روایتی منسوب به امام علی بن ابی طالب علیه السلام حکایت از آن دارد که ایشان در دوران حکومتشان فرموده اند: «لَا يَفْضِلُنِي أَحَدٌ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ إِلَّا جَلَدْتُه حَدَّ الْمُفْتَرِي». با این حال، روایات دیگری از ایشان در تعارض با این موضع قرار دارد. نظر به این اختلاف، مسئله پژوهش حاضر اعتبارسنجی انتساب روایت حد مفتی به علی علیه السلام است. بدین منظور سعی شده با استفاده از فراین مختلف سندی و تاریخی، این روایت خارج از چارچوب کلامی، با رویکردی تاریخی مورد اعتبارسنجی قرار گرفته و ظرف زمانی و مکانی پیدایش و خاستگاه گفتمانی و جریانی آن تبیین گردد. این پژوهش از جمله نشان می دهد که به احتمال بسیار، تحریر ناظر به تفضیل این روایت در دهه ۹۰ قرن نخست هجری در بوم کوفه تکوین یافته و سپس تحریری دیگر از آن، حداکثر در طی نیمه نخست قرن دوم تطور یافته است. علاوه بر این، به لحاظ گفتمانی بستر اولیه پیدایش این خبر مسئله «رتبه بندی خلفا» بوده است.

کلیدواژه ها: علی بن ابی طالب علیه السلام، خلفا، روایت حد مفتی، جریان شناسی، بوم شناسی، تاریخ گذاری.

۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ تشیع، دانشگاه اصفهان (m67cid@gmail.com).

۲. استاد گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤول) (montazer@ltr.ui.ac.ir).

۳. استاد بازنشسته گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان (asgharmahmoodabadi@gmail.com).

۱. درآمد

امام علی بن ابی طالب علیه السلام یکی از الهام بخش ترین شخصیت ها در تاریخ اسلام بوده و بدین رو جریان های فکری و سیاسی مسلمانان، بسته به مبانی و سوگیری خود، قرائت های کاملاً متفاوتی از باورهای ایشان به دست داده و اخبار گوناگونی از رویکردها و اقدامات ایشان روایت کرده اند. بدین سبب، اعتبارسنجی و تبارشناسی روایات منسوب به علی علیه السلام برای درکی نزدیک تر به واقع از دیدگاه های ایشان ضرورت بالایی داشته و البته با پیچیدگی های متعددی روبه روست.

در منابع حدیثی و تاریخی مختلفی، کلامی به علی بن ابی طالب علیه السلام منسوب شده است که طبق آن، ایشان هشدار می دهد که اگر کسی آن حضرت را افضل از دو خلیفه اول بینگارد، ایشان «حد مفتی» را بر تفضیل دهنده جاری خواهد ساخت.^۱ صورت دیگری از این خبر ناظر به «مفتی» بودن نکوهش کنندگان از دو خلیفه نخست و تهدید به جاری ساختن مجازات مفتی آنان است.^۲ تحریرهای این روایت علاوه بر منابع حدیثی و تاریخی، در رساله های مناظراتی جریان های مختلف مسلمانان نیز به چشم می خورد و مورد استناد یا نقد آنان قرار گرفته است.^۳ نکته قابل تأمل و چالش برانگیز، آن که روایت حد مفتی در چند گزارش از زبان خلیفه دوم نیز روایت شده است:

خَطَبَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثَنَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: أَلَا إِنَّ خَيْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبُو بَكْرٍ، فَمَنْ قَالَ سِوَى ذَلِكَ بَعْدَ مَقَامِي هَذَا فَهُوَ مُفْتَرٍ عَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُفْتَرِي. ^۴

گفتنی است که بررسی هایی درباره این روایت انجام شده که به شرح ذیل است:
سید علی حسینی میلانی،^۵ مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر علیه السلام و جستاری در کانالی تلگرامی به طور بسیار مختصر^۶ به بررسی این روایت پرداخته اند. این پیشینه ها دارای کاستی هایی چون عدم شمول بررسی نسبت به جنبه های متنی، سندی و تاریخی و بعضاً رویکرد جدلی است.

۱. به عنوان نمونه: السنّة (ع)، ج ۲، ص ۵۷۵.

۲. به عنوان نمونه: معجم ابن الأعرابی، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۲. «... فَمَنْ أُوْتِيَتْ بِهِ بَعْدَ مَقَامِي هَذَا فَهُوَ مُفْتَرٍ عَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُفْتَرِي».

۳. برای اطلاع از نمونه هایی از استنادات و نقدها به روایت حد مفتی در قرون متقدم و میانی، رک: العثمانيّة، ص ۲۳؛ السنّة (ع)، ج ۲،

ص ۵۷۵؛ العواصم من القواصم، ص ۲۷۴؛ الفصول المختارة، ص ۱۶۸-۱۶۷؛ شرح الأخبار فی فضائل الامّة الأطهار علیهم السلام، ج ۲،

ص ۲۵۱؛ عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۷-۱۸۵؛ الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، ج ۳، ص ۱۵۲ و...

۴. به عنوان نمونه: فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۱۸۲.

۵. رک: تشييد المراجعات و تفنيد المكابرات، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۰.

۶. رک: www.valiasr-aj.com، کد سؤال: ۱۰۲۶۸.

۷. رک: <https://t.me/borghan/31475>.

نظربدین پیشینه، در پژوهش حاضر سعی شده تا خارج از نگاه کلامی و با بهره‌گیری از قراین سندی، متنی، گفتمانی و تاریخی انتساب این روایت به علی علیه السلام مورد تحلیل تاریخی قرار گیرد. دامنه منابع مورد بررسی در این مقاله تا پایان قرن پنجم هجری است.

۲. نگاهی گونه‌شناختی، جریان‌شناختی و تحلیلی به راویان و اسانید خبر «حد مفتری»

۱-۲. گونه‌شناسی اسانید

اسانید خبر حد مفتری را می‌توان بر حسب اولین راوی مستقیم از امام علی علیه السلام و یا اولین راوی مذکور در سند پس از ایشان، به هشت گونه تقسیم‌بندی نمود. هشت راوی نخست اسناد روایات حد مفتری به شرح زیر هستند:

۱. حکم بن جحل (زنده در ۱۱۰ق)، ۲. سُوید بن غَفَلَه (م ۸۰ یا ۸۲ق)، ۳. عطیة عوفی (م ۱۱۱ق)، ۴. علقمة بن قیس (م ۶۲ق)، ۵. عبدالله بن سلمه، ۶. عبدخیر (زنده در ۱۱۴ق)، ۷. ابوخصین عثمان بن عاصم کوفی (م ۲۸ق)، ۸. محمد بن مُنکدر (م ۱۳۰ق یا پس از آن). یادکردهای خبر حد مفتری به نقل از راویان نام‌برده، تا پایان قرن پنجم، در مصادر زیر قابل دسترسی است:

- حکم بن جحل،^۱
- سُوید بن غَفَلَه،^۲
- عطیة عوفی،^۳
- علقمة بن قیس،^۴
- عبدالله بن سلمه،^۵
- عبدخیر،^۶

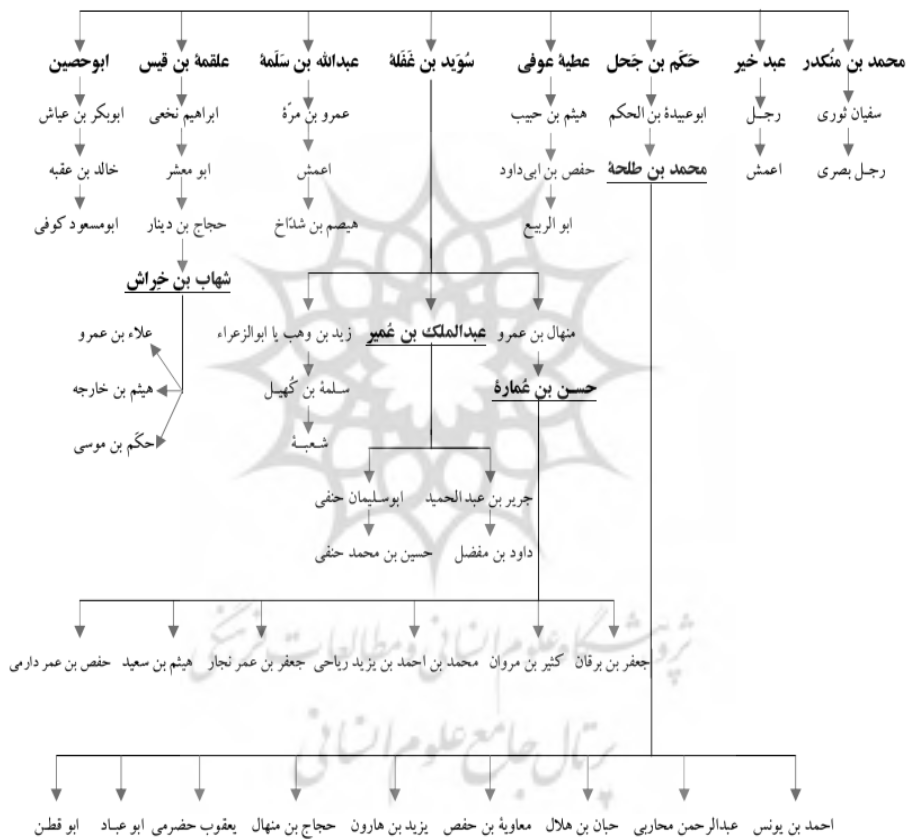
۱. فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۸۳ و ۲۹۴؛ هر دو از زیادات عبدالله بن احمد بن حنبل؛ السُّنَّة (عا)، ج ۲، ص ۵۷۵ السُّنَّة (عب)، ج ۲، ص ۵۶۲ المحلّی بالآثار، ج ۱۲، ص ۲۵۲؛ الاعتقاد والهدایة إلى سبیل الرشاد علی مذهب السلف و أصحاب الحدیث، ص ۳۵۸؛ در این یادکرد، بصره به عنوان محل ایراد کلام معرفی شده است؛ الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۳، ص ۹۷۳.
۲. تحریر ناظر به نکوهش: تاریخ واسط، ص ۱۶۸-۱۶۶؛ معجم ابن الأعرابی، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۲؛ من حدیث خیشمة بن سلیمان القرشی الأطرابلسی، ص ۱۲۴-۱۲۲؛ الشریعة، ج ۴، ص ۱۷۳۱-۱۷۲۵ و ج ۵، ص ۲۳۳۸-۲۳۴۰؛ شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة، ج ۷، ص ۱۳۷۵-۱۳۷۳؛ فضائل الخلفاء الأربعة و غیرهم، ص ۱۸۵-۱۸۴؛ حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، ج ۷، ص ۲۰۱؛ تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۴۲۷؛ تحریر ناظر به تفضیل: طبقات المحدثین بأصبهان و الواردین علیها، ج ۳، ص ۴۲۵.
۳. فضائل أبی بکر الصدیق عبدالله بن عثمان التیمی، ص ۶۴.
۴. فضائل الخلفاء الأربعة و غیرهم، ص ۱۴۱-۱۴۰.
۵. الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۳۶ و ج ۲۶، ص ۳۶-۳۵.
۶. الإلتصار للقرآن، ج ۲، ص ۴۹۷.

- ابوخصین عثمان بن عاصم کوفی،^۱
- محمد بن منکدر.^۲

نمودار اسانید خبر «حدّ مفتری»^۳

نمودار اسانید خبر «حدّ مفتری»^{۱۹}

امام علی بن ابی طالب (ع)



❖ تذکر: برخی طرق در اسناد بالا دچار ارسال خفی یا جلی هستند.

۱. کتاب جمل من انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۴۰-۴۳۹.

۲. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۹۵.

۳. منابع مورد بررسی تا پایان قرن پنجم هجری را شامل می شود.

۲-۲. جریان شناسی راویان

۲-۲-۱. شیعیان به عنوان راوی مباشر در طبقه نخست

پنج تن از هشت راوی مذکور در طبقه نخست اسانید راویت حد مفتی، از شیعیان، به معنای اعم،^۱ و نزدیکان یا اصحاب موالی و اهل مودت نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام بوده‌اند. از میان این افراد، عبدخیر را از قایلین به «نَسَقُ الإمامة و تواتر الوصیة»^۲ و نیز از «أكابر أصحاب علی» دانسته‌اند.^۳ عطیه عوفی شیعی دیگری است که به سبب خودداری از ناسزا گفتن به علی علیه السلام به شدت مجازات شد.^۴ سُوید بن عَفَله نیز از «اولیای» علی بن ابی طالب علیه السلام معرفی شده^۵ و گزارش‌های متعددی حاکی از تشیع و مودت او نسبت به علی علیه السلام است.^۶ طبرسی به روایت از سُوید بن عَفَله، کلامی به شدت شکایت‌آمیز را از فاطمه دخت پیامبر علیها السلام خطاب به زنان مهاجر و انصار نقل کرده است.^۷ محتوای این کلام به روشنی صبغه «تشیع اعتقادی»^۸ دارد. علقمة بن قیس تابعی معروف نیز گرایش ضد اموی و تا حدی شیعه‌گرایانه داشته است.^۹ عبدالله بن سلمه راوی مباشر دیگر، از اصحاب علی علیه السلام بوده و از او درباره حضورش در نبردهای جمل و صفین در کنار علی علیه السلام، گزارش شده که گفته است: «دوست ندارم که به جای شرکت در آن دو نبرد، تمامی آنچه که بر زمین است را در اختیار داشته‌م».^{۱۰}

۱. برای اطلاع از گونه‌های تشیع، رک: تاریخ تشیع در ایران، ذیل عنوان: «تعریف تشیع و انواع آن».

۲. فرقه‌های اسلامی و مسئله امامت: [متن و] ترجمه «مسائل الامامة» و «مقتطفات من الكتاب الاوسط»، ص ۱۸۴-۱۸۳.

۳. أسد الغابة، ج ۳، ص ۳۱۸.

۴. الطبقات الكبرى (ص)، ج ۶، ص ۳۰۴؛ برای اطلاع از دیگر قراین تشیع وی رک: فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۵۸۶؛ قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۱۱-۲۱۰.

۵. رجال البرقی، ص ۴.

۶. الأمالی، ص ۳۵۱؛ رک: الغارات، ج ۱، ص ۵۷-۵۶؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۳۲۹؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۹۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۰۵.

۷. الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۰۸.

۸. منظور از تشیع اعتقادی یا امامتی، گونه‌ای از تشیع است که امامت را منصبی الهی و نه صرفاً سیاسی دانسته و علی بن ابی طالب علیه السلام را منصوب از جانب خدا و رسول او صلی الله علیه و آله می‌داند (رک: تاریخ تشیع در ایران، ذیل عنوان: «تشیع امامتی - اعتقادی»). در این مقاله از این گونه از تشیع به صورت «تشیع اعتقادی»، «تشیع امامتی» یا «تشیع امامتی - اعتقادی» یاد شده است.

۹. رک: الطبقات الكبرى، ص ۶، ص ۱۵۲-۱۴۶؛ وقعة صفین، ص ۲۸۷؛ تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۴۰؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۸۶؛ کشف المحجّة لثمره المهجّة، ص ۲۳۶.

۱۰. المصنف فی الأحادیث و الآثار، ج ۷، ص ۵۶۰ و...

همچنین از برخی از این پنج تن اخبار مهمی در فضل و برتری علی علیه السلام و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است. به عنوان نمونه عطیه عوفی در اسانید روایاتی چون حدیث ثقلین و منزلت مشاهده می‌شود.^۱ از سُوید بن غَفَله نیز خبری چون «أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» گزارش شده است.^۲ به طور کلی درباره این افراد می‌توان گفت که حداقل از موالیان و اهل مودت نسبت به علی علیه السلام بوده‌اند و برخی از آنان به ویژه عبدخیر در مظان «تشیع اعتقادی» قرار دارند.

روایت اعتراف علی علیه السلام به مفضول بودن و تهدید قایلین به افضلیت ایشان، از قول چنین افرادی برای یک ناظر بی طرف تردید برانگیز بوده و احتمال کار بست یک شیوه رایج در مناظرات فرقه‌ای و مذهبی را به نحو قابل ملاحظه‌ای تقویت می‌کند. یکی از پژوهش‌گران معاصر درباره این «روش مرسوم و رایج در مجادلات مذهبی آن روزگار» می‌نویسد:

...اندیشه‌ای را با نسبت دادن گفتاری علیه آن به پیشوایان آن مذهب، مورد تردید و تضعیف قرار می‌دادند، یا از زبان بزرگان مکتب مخالف، مطالبی علیه معتقدات پیروان آن مکتب به دروغ جعل می‌نمودند.^۳

وی در مواضع دیگری از کتاب یاد شده نیز، به این شیوه و نمونه‌هایی از آن توجه داده است.^۴ مدرّسی طباطبایی از جمله با ذکر نمونه‌ای توجه داده است که عثمانیه در مناظرات فرقه‌ای خود با شیعیان به منظور اسکات و الزام آنان، با جعل حدیث، عقاید و آرای ضد شیعی را از زبان شیعیان به علی علیه السلام نسبت می‌داده‌اند.^۵ این تحلیل با قرآینی که در ادامه مقاله ارائه می‌گردد، تقویت خواهد شد.

۲-۲-۲. عثمانیه و افراد زاویه‌دار با علی بن ابی طالب علیه السلام

در اسانید خبر حد مفتی همچنین روایاتی از طیف عثمانی یا نزدیک به عثمانیه به چشم می‌خورند. حداقل عبدالملک بن عمیر (م ۱۳۶ق)، محمد بن طلحه (م ۱۶۷ق) و

۱. برای حدیث ثقلین رک: فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۵۸۵؛ برای حدیث منزلت رک: همان، ج ۲، ص ۵۶۶.
۲. سنن الترمذی، ص ۳۷۴؛ تهذیب الآثار و تفصیل الثابت عن رسول الله من الأخبار، ج ۳، ص ۱۰۴-۱۰۵. دفاع طبری از این خبر و تضعیف ترمذی قابل مقایسه است.
۳. میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۳۵.
۴. رک: همان، ص ۱۳۶-۱۳۵؛ ذیل مدخل جابر جعفی و ص ۹۴-۹۳؛ ذیل مدخل حارث اعور و ص ۱۲۳؛ ذیل مدخل زید بن وهب. به عنوان نمونه بارز دیگری از مصادیق این روش رک: الشئنة (خ)، ج ۱، ص ۲۸۸؛ بیان یک معجزه برای خلیفه سوم توسط ابوذر و ثناگویی این صحابی شیعی در حق او.
۵. میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۹۳.

شهاب بن خراش (م. بین ۱۸۰-۱۷۴ق)، سه نفر از چهار حلقه مشترک^۱ اسناد این روایت، هر کدام به درجه ای در طیف این جریان قرار می‌گیرند.

عبدالملک بن عمیر از قاضیان امویان بوده و گزارش شده که عبدالله بن یقظر (برادر رضاعی حسین بن علی علیه السلام) یا قیس بن مسهر صیداوی را پس از به زیرافکنده شدن از دارالاماره سربریده است.^۲ شیخ مفید همچنین وی را از جمله جااعلان اخبار درباره دو خلیفه اول و طعن بر علی بن ابی طالب علیه السلام معرفی کرده است.^۳ برای اطلاع بیشتر از گرایش و اقدامات وی به منبع ذیل مراجعه نمایید.^۴

محمد بن طلحه (م ۱۶۷ق)، حلقه مشترک دیگر این خبر، فرزند طلحة بن مصرف یامی (م ۱۱۲ق) بود. وی پدرش را «عثمانی» توصیف کرده^۵ و شواهد هم حاکی از آن است که وی نسبت به عثمان حساسیت داشته و نسبت به شیعیان دیدگاهی به شدت منفی داشته است.^۶ محمد بن طلحة از چنین کانونی برخاسته بود و طبیعی است که گرایش پدر حداقل تا حدی بروی اثر گذاشته باشد.

یکی از راویان دیگر این روایت ابوخصین عثمان بن عاصم کوفی (م ۱۲۸ق) بوده که «عثمانی» دانسته شده^۷ و حدیث «من كنت مولاة فعلی مولاة» را اصیل نمی‌دانسته است.^۸ شهاب بن خراش و عمرو بن مَرّه نیز در زمرة کوفیانی با وصف «یحملون علی علیه السلام»، دسته‌بندی شده‌اند.^۹ چنین مساهمتی از طیف عثمانی یا نزدیکان به این جریان، در نشر این خبر قابل تأمل و معنادار است.

باید توجه داشت که بخشی از عثمانیه از قرن دوم به بعد، افرادی بودند که برافضلیت عثمان نسبت به علی علیه السلام تأکید ورزیده، اما به ابراز عداوت صریح با علی علیه السلام نمی‌پرداختند و

۱. برای اطلاع از مفهوم «حلقه مشترک» و دیدگاه‌ها درباره آن، به عنوان نمونه رک: «بررسی اصالت روایت منقول از امام علی علیه السلام درباره اهمیت شناخت ناسخ و منسوخ با استفاده از روش تحلیل اسناد - متن»، ص ۶؛ «حلقه مشترک و پیوندش با مدار»، ص ۴۶۹-۴۷۸.

۲. تاریخ الأمم و الملوک، ج ۵، ص ۳۹۸؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۷۱.

۳. الإفصاح فی الامامة، ص ۲۲۰.

۴. رک: «حدیث اُسَید بن صَفوان؛ نقش جریان شناسی راویان و ساختار اسناد در اصالت سنجی روایت»، ص ۴۱-۴۳.

۵. الکامل فی ضعف الرجال، ج ۷، ص ۴۷۴.

۶. رک: سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۱۹۱؛ التاریخ الکبیر، ج ۴، ص ۳۴۷؛ الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۳۰۸.

۷. معرفة الثقات من رجال أهل العلم و الحديث و من الضعفاء و ذکر مذاهیمهم و أخبارهم، ج ۲، ص ۱۲۹.

۸. التاریخ الکبیر، ج ۶، ص ۲۴۱.

۹. المسترشد فی امامة علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۰۸-۲۰۷.

بدین ترتیب، دارای مواضع حداکثری نسبت به علی علیه السلام نبودند.^۱ سوگیری عثمانی یا زاویه افراد فوق با علی علیه السلام را نیز نباید یکسان دانست و تماماً حداکثری تلقی کرد. می توان گفت که حلقه مشترک دیگر این خبر، حسن بن عماره نیز نظریه خبری که با مضمون ستایش بلیغ علی علیه السلام از عثمان روایت کرده،^۲ احتمالاً گرایش هایی عثمانی از نوع غیر حداکثری داشته است.

۲-۲-۳. تشیع عراقی غیر امامتی

جریان دیگری که به ویژه در طبقات دوم و سوم اسانید به چشم می خورد، طیف کوفیان متشیع غیر امامتی هستند و با توجه به این که چنین رویکردی در کوفه شیوع بالایی داشته است، طبیعی به نظر می رسد. باید توجه داشت که این جریان به افضلیت دو خلیفه نخست به شدت باورمند بوده و بدین رو با شیعیان تفضیلی چون بُتریه و نیز شیعیان امامتی - اعتقادی زاویه داشت. به عنوان نمونه، محدث متشیعی چون ابراهیم نخعی (م ۹۶ق)،^۳ از راویان خبر حد مفتری، در زمینه رتبه بندی خلفا و در واکنش به فردی که به وی گفته بود: «علی علیه السلام از ابوبکر و عمر برای من محبوب تر است»، گفته بوده: «أَمَا إِنَّ عَلِيًّا لَوْ سَمِعَ كَلِمَكَ لَأَوْجَعَ ظَهْرَكَ» و ادامه داده بود که راضی نیست با کسی که چنین باوری داشته باشد، هم نشینی کند.^۴ این گزارش نشان می دهد که حداقل از دهه نود قرن نخست، در کوفه بحث تفضیل علی علیه السلام بر شیخین علناً مطرح می شده و واکنش متشیعانی را که به افضلیت دو خلیفه نخست باور داشتند، بر می انگیزخته است. نکته بسیار مهم دیگر در پاسخ ابراهیم نخعی، آن که وی در پاسخ فرد تفضیل دهنده علی علیه السلام بر شیخین بدو گفته است که اگر علی علیه السلام سخن تو را می شنید، «لَأَوْجَعَ ظَهْرَكَ»، که طبیعتاً کنایه از تازیانه است و این معنا تطابق و همسانی غیر قابل انکاری با خبر «حد مفتری» دارد و اساساً می توان گفت که ابراهیم این کلام را به علت آگاهی از خبر حد مفتری و متأثر از آن بیان کرده است.

جریر بن عبدالحمید رازی (م ۱۸۷ق)، راوی دیگر خبر حد مفتری، نیز باوری مانند ابراهیم نخعی داشت و درباره رتبه بندی خلفا می گفت:

۱. رک: بخش «قراین گفتمان شناسی تاریخی» در همین مقاله.

۲. المجالسة و جواهر العلم، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ تاریخ دمشق، ج ۳۹، ص ۴۶۶. محتوای این گزارش ذیل عنوان «گرایش به روایت مواضع ضد شیعی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله» در همین مقاله ذکر شده است.

۳. رک: کلام و جامعه، ص ۳۳۸.

۴. الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۸۳.

أَبُو بَكْرٍ ثُمَّ عُمَرُ ثُمَّ عَلِيٌّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ عُثْمَانَ، وَلَئِنْ أُخْرِمَ السَّمَاءُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَنَاوَلَ
عُثْمَانَ بِسَوْءٍ، وَإِنِّي إِلَى تَصْدِيقِ عَلِيٍّ أَعْجَبُ إِلَيَّ مِنْ [احتمالاً «مَنِّي إِلَيَّ»] تَكْذِيبِهِ.^۱

چه بسا که او اساساً تحت تأثیر ابراهیم نخعی چنین باوری داشت؛ چرا که او خود کلام سابق الذکر ابراهیم را نقل می‌کرد.^۲ ابومعشر زیاد بن کَلْبِیْب کوفی (م ۱۹۱ق) از دیگر راویان خبر حد مفتی از «قدماء أصحاب إِبْرَاهِيمِ [النخعی]» بود^۳ و می‌توان وی را نیز در زمره متشیعان غیر امامتی تلقی کرد.

۲-۲-۴. بُتْرِيه

حضور سلمة بن كهيل (م ۱۲۲ق) از بزرگان بُتْرِيه در سند تحریری از خبر حد مفتی که به طور خاص موضع شیعیان اعتقادی را هدف قرار می‌دهد، قابل تأمل است. بُتْرِيه با موضع شیعیان اعتقادی درباره دو خلیفه نخست مخالفت داشتند.^۴ این مخالفت به نوعی خصومت انجامید. کثیر التواء، از چهره‌های شاخص بُتْرِيه، با سندی هاشمی از قول حسن بن علی عليه السلام روایت کرده که علی عليه السلام گفته است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَسْمُونَ الرَّافِضَةَ بِرُفُضُونَ الْإِسْلَامِ.^۵

۲-۲-۵. گرایش به روایت مواضع ضد شیعی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

نکته بسیار مهم دیگری که در جریان شناسی فکری راویان این اسانید جلب توجه می‌کند، آن‌که افرادی چون حسن بن عماره، محمد بن طلحه، عبدالملک بن عمیر، شهاب بن خراش و حفص بن ابی داود^۶ به روایت ستایش خلفا از لسان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و نشان دادن روابط وثیق و مودت آمیز میان ایشان علاقه‌مند بوده‌اند. وانگهی مهم‌تر آن‌که هر چهار حلقه مشترک و ناشر عمده این اسانید چنین رویکردی داشته‌اند.

به عنوان نمونه، علاوه بر روایت حد مفتی، محمد بن طلحه خبری مبنی بر اعلام آمادگی

۱. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۸۴.

۲. الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۸۳.

۳. الجرح و التعديل، ج ۳، ص ۵۴۲.

۴. رک: فرق الشيعة، ص ۱۳ و ۲۰.

۵. مسند احمد، ج ۲، ص ۱۸۷-۱۸۶.

۶. به عنوان نمونه، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۳، ص ۲۷۱: «... عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: هَذَا نَسِيدَا كَهُولِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، يَعْنِي أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ».

حسن بن علی علیه السلام برای شمشیر کشیدن در دفاع از عثمان بن عفان روایت کرده است.^۱ حسن بن عماره نیز در خبری نقل کرده است که به علی علیه السلام گفته شد: «آیا به جانشینی برای خود وصیت نمی‌کنی؟» او در پاسخ گفت:

رسول خدا ﷺ به کسی وصیت نمود تا من نیز وصیت کنم. ولیکن اگر خداوند خیر مردمان را بخواهد، آنان را بر بهترینشان مجتمع خواهد کرد؛ چنان که پس از پیامبرشان آنان را بر بهترینشان مجتمع کرد.^۲

در این نقل، مضمونی مشابه خبر «حد مفتری» نیز به چشم می‌خورد. روایت دیگری از ابن عماره حاکی از آن است که مردی از آل حاطب در زمان حکومت امام علی علیه السلام به نزد ایشان آمده و اظهار داشته که عازم مدینه است و مردم درباره عثمان از او خواهند پرسید؛ پس چه پاسخی باید به آنان بدهد. علی بن ابی طالب علیه السلام نیز بدو گفته است:

أَخْبِرُهُمْ أَنَّ عُثْمَانَ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ﴿...﴾ وَعَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَعَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿...﴾^{۳، ۴}

عبدالملک بن عمیر نیز در خبری که ذهبی آن را «موضوع» دانسته،^۵ ستایش‌های متعدد و دال بر افضلیت ابوبکر بر همه مسلمین را از زبان علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده است.^۶ همچنین شهاب بن خراش خبر «إِنَّ خَيْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ نَبِيِّهَا أَبُو بَكْرٍ ثُمَّ عُمَرُ» را به نقل از برخی شیعیان از علی علیه السلام روایت کرده است^۷ که کاملاً در انسجام با مضمون خبر حد مفتری قرار دارد. این سوگیری در ناشران اصلی روایت «حد مفتری»، به لحاظ تاریخی اصالت چنین روایتی را با چالش مواجه می‌کند.

۳-۲. نگاهی به عملکرد روایی ناشران اصلی و اسانید خبر «حد مفتری»

۱-۳-۲. عملکرد روایی ناشران خبر «حد مفتری»

سه نفر از چهار حلقه مشترک این روایت، عبدالملک بن عمیر (م ۱۳۶ق)، حسن بن عماره

۱. المصنف فی الأحادیث والآثار، ج ۷، ص ۵۲۳.

۲. فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۴۰۴.

۳. سوره مائده، آیه ۹۳.

۴. المجالسة و جواهر العلم، ج ۲، ص ۱۱۳؛ تاریخ دمشق، ج ۳۹، ص ۴۶۶.

۵. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۳، ص ۱۸۰.

۶. رک: مسند البزار، ج ۳، ص ۱۴۰-۱۳۸؛ العقد الفرید، ج ۳، ص ۱۹۸-۱۹۷ و...

۷. فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۳۱۰؛ به نقل از عبدخیر؛ ج ۱، ص ۳۰۲؛ به نقل از ابوجحیفه، با تعبیری مشابه در ارجاع اخیر.

(م ۱۵۳ق) و محمد بن طلحه (م ۱۶۷ق)، به ضعف‌های جدی در عملکرد روایی متهم بوده‌اند. حسن بن عماره به شدت از لحاظ عملکرد روایی تضعیف شده و مورد تخطئه رجال‌شناسان اهل سنت قرار گرفته است؛ به عنوان مثال، توصیفاتی چون «أجمع أهل الحديث على ترك حديثه»، «كَانَ يَضَعُ الْحَدِيثَ»، «لَيْسَ حَدِيثُهُ بِشَيْءٍ»، «ساقط»، «متروك الحديث»، «مُنْكَرُ الْحَدِيثِ»، «أَحَادِيثُهُ مَوْضُوعَةٌ» و «لَا يَكْتُبُ حَدِيثُهُ» درباره وی بیان شده است.^۱ شعبه بن حجاج (م ۱۶۰ق) ناقد مشهور رجال اهل سنت، به طور ویژه از احراز جعل سند توسط حسن بن عماره سخن گفته و با ذکر تجربه خود از راستی آزمایی اخبار ابن عماره، اطلاعات مهمی را ارائه کرده است.^۲ سفیان ثوری هم تجربه‌ای مشابه با تجربه شعبه داشته است.^۳ ثوری همچنین به شخصه متوجه شده که خبری را که برای ابن عماره نقل کرده بود، وی با زیادتی الحاقی از جانب خود روایت کرده است.^۴ شواهد درباره ابن عماره بیش از این است، اما همین مقدار برای بیان مقصود کفایت می‌کند.

محمد بن طلحه توسط برخی، از کسانی معرفی شده که باید از حدیثشان اجتناب کرد.^۵ ارسال و عدم سماع مستقیم روایت از شیخ روایی مشکل دیگری بوده که موجب تضعیف او از این لحاظ در نظر برخی افراد شده بود.^۶ برای آگاهی از دیگر نظرات درباره وی به منابع زیر مراجعه نمایید.^۷ درباره عملکرد روایی عبدالملک بن عمیر نیز گفتنی است که وی به تدلیس مشهور بوده^۸ و چنان‌که پیش‌تر هم بیان شد، به جعل اخبار متهم شده است.^۹

نسبت به شهاب بن خراش عمدتاً رویکرد مثبتی وجود داشته است، اما با این حال، تعبیرهایی نظیر «له ما يستنكر» درباره او به کار رفته و ابن حبان به طور خاص اشتباهات وی

۱. تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۶، ص ۲۷۰-۲۷۲.
۲. رک: أخبار القضاة، ج ۳، ص ۲۴۶-۲۴۵. برای اطلاع از مصادیقی دیگر از سند سازی ابن عماره و منسوب کردن مطلبی به علی رضی الله عنه توسط او به شهادت شعبه، رک: الضعفاء الکبیر، ج ۱، ص ۲۳۷؛ الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۳، ص ۹۴؛ به صورت خلاصه‌تر.
۳. رک: الضعفاء الکبیر، ج ۱، ص ۲۳۹.
۴. همان‌جا.
۵. الضعفاء الکبیر، ج ۴، ص ۸۵.
۶. رک: الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۳۵۴؛ الجرح و التعديل، ج ۷، ص ۲۹۲-۲۹۱.
۷. رک: الضعفاء الکبیر، ج ۴، ص ۸۶-۸۵؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۲۵، ص ۴۲۱-۴۲۰؛ تقریب التهذیب، ص ۴۸۵؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۳، ص ۵۸۸-۵۸۷.
۸. طبقات المدلسین، ص ۴۱؛ الأنساب، ج ۱۰، ص ۳۲۹؛ «كان مدلساً».
۹. الإفصاح فی الامامة، ص ۲۲۰.

را تا حدی دانسته که مرویات وی را از قابلیت احتجاج خارج می‌داند.^۱

۲-۳-۲. اسانید خبر «حد مفتی»

اسانید منتهی به محمد بن مُنکدر (م ۱۳۰ق)، ابوخصین کوفی (م ۲۸۸ق) و حکم بن جحل (زنده در ۱۱۰ق)، نظریه طبقه این راویان، به احتمال بسیار زیاد مرسل بوده و به احتمال بسیار نمی‌توانسته‌اند سماعی از علی علیه السلام داشته باشند و حتی در صورت درک امام علیه السلام نیز کم سن و سال بوده‌اند. درباره حکم بن جحل برخی رجالیان تصریح کرده‌اند که روایت او از علی علیه السلام با واسطه بوده است.^۲ گفتنی است که اتصال سند منتهی به علقمة بن قیس نیز مورد تردید قرار گرفته و دارقطنی «الأشبه بالصواب» را نظر کسی دانسته که «قال: عن أبي معشرٍ وأُرسله».^۳

از جمله دیگر آسیب‌هایی که در برخی اسانید خبر حد مفتی به چشم می‌خورد، حضور مجاهیل در برخی طبقات است. طرق منتهی به محمد بن منکدر و عبدخیر چنین آسیبی دارند. ابوعبیده بن الحکم، فرزند حکم بن جحل،^۴ نیز در نزد رجال شناسان اهل سنت به لحاظ وثاقت شناخته شده نبوده و تنها یک روایت از او مضبوط است که همین خبر «حد مفتی» است. چنین امری اصالت سند را به طور جدی با تردید مواجه می‌کند.

آسیب دیگر در برخی اسناد، وجود راویان شناخته شده به «دروغ‌پردازی» و «قلب سند» در آن‌ها است. علاوه بر این، عمیر، ابن عماره و حفص بن ابی داود، در طریق منتهی به عطیه عوفی، «کذاب» خوانده شده^۵ و به قلب سند متهم شده است.^۶ هيصم بن شدّاخ نیز، در طریق منتهی به عبدالله بن سلمه، از سویی توسط برخی مجهول خوانده شده^۷ و از سویی ابن حبان احتجاج به مرویات وی را جائز ندانسته و به نکته‌ای توجه داده که کاملاً در ارتباط با سند مورد نظر ماست: «یروی عن شعبة والأعمش الطامات فی الروایات».^۸ ابوزرعة رازی

۱. رک: میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۲، ص ۲۸۲-۲۸۱.

۲. رک: الجرح و التعديل، ج ۳، ص ۱۱۴؛ تهذيب الكمال فی أسماء الرجال، ج ۷، ص ۹۱؛ قس: التاريخ الكبير، ج ۲، ص ۳۳۶؛ «قال بعضهم سمع علياً؛ المؤلف و المختلف، ج ۲، ص ۸۰۷.

۳. العلل الواردة فی الأحاديث النبوية، ج ۴، ص ۹۵.

۴. المؤلف و المختلف، ج ۲، ص ۸۰۷.

۵. الكامل فی ضعفاء الرجال، ج ۳، ص ۲۶۸.

۶. المجروحين من المحدثين و الضعفاء و المتروكين، ج ۱، ص ۲۵۵؛ «كان يقلب الأسانيد».

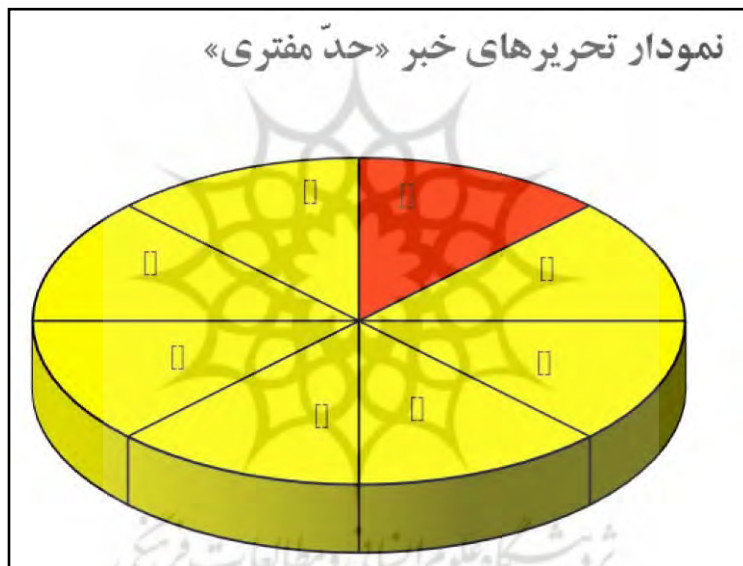
۷. الضعفاء الكبير، ج ۳، ص ۲۵۲.

۸. المجروحين من المحدثين، ج ۲، ص ۴۴۶.

(م ۲۶۴ق) نیز حدیث هیصم بن شدّاخ از اعمش را «باطل» دانسته است.^۱ بدین ترتیب، هیچ‌یک از اسناد روایت حد مفتری خالی از آسیب و ضعف نیستند.

۳. مقایسه تحریرهای روایت «حد مفتری»

تحریرهای منسوب به حکم بن جحل، عطیه عوفی، علقمة بن قیس، عبدالله بن سلمه، عبد خیر، محمد بن منکدر و یک طریق از طرق منتهی به سُوید بن غفلة،^۲ همگی ناظر به اعتراض علی رضی الله عنه نسبت به «تفضیل» خود بردو خلیفه اول هستند؛ اما طرق منتهی به سُوید بن غفلة، به جزیک مورد مذکور، همگی حکایت از اعتراض امام رضی الله عنه نسبت به «نکوهش» از شیخین دارند؛ تفاوتی که نشان‌گر تطوری ملموس در متن کلام است.



❖ رنگ زرد: تحریر ناظر به تفضیل

❖ رنگ قرمز: تحریر ناظر به نکوهش

۴. نقد متن روایت «حد مفتری»

۱-۴. رویکرد امام علی رضی الله عنه دربارهٔ افضلیت خویش و انتقاد از خلفا

تحریرهای ناظر به تفضیل روایت حد مفتری با امتیازات دینی و نسبی علی رضی الله عنه، افتخارات

۱. أبو زرعة الرازی وجهوده فی السنة النبویة، ج ۲، ص ۵۰۲.

۲. طبقات المحدثین بأصبهان و الواردین علیها، ج ۳، ص ۴۲۵.

در سابقه، مساهمت بی‌رقیب ایشان در نبردها و نوع برخورد شیخین با علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله قابل تبیین و توضیح نیست. درباره نقد تحریر ناظر به تفصیل، گزارش‌های قابل اعتمادی وجود دارد که حاکی از باور علی بن ابی طالب علیه السلام به افضلیت خود بر دیگر صحابه است. حدیث منزلت از مهم‌ترین نمونه‌هایی است که علی علیه السلام را در جایگاهی برتر از هر مسلمان دیگری می‌شناساند و در میراث فریقین به نحو گسترده‌ای ضبط شده است.^۱ طبعاً علی علیه السلام منکر این فضیلت تصدیق شده از جانب دیگران نبود؛ به عنوان نمونه‌ای دیگر، علی علیه السلام در پاسخ نامه‌ای به معاویه از افضلیت خود و اهل بیت خویش یاد نموده است.^۲ ابن ابی‌الحدید از جمله با استناد به کلام علی علیه السلام مبنی بر پیشگامی در ایمان و ادای نماز، بیان می‌کند که ایشان پیوسته با بیان این کلام به اولین مسلمان بودن خود افتخار نموده و «یجعله فی افضلیته علی غیره». وی سپس با ذکر این که علی علیه السلام بارها می‌گفته: «أنا الصدیق الأكبر و الفاروق الأول أسلمت قبل إسلام أبي بكر و صلیت قبل صلاته»، اضافه می‌کند که این خبر را ابن قتیبه در المعارف آورده «و هو غیر متهم فی أمره».^۳ خبر مشابهی با گزارش اخیر به طور ویژه‌ای با خبر حد مفتری تناظر قابل توجهی دارد. از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده که ایشان گفته است:

أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْوَرُ سُوْلِهِ وَ أَنَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ، لَا يَقُوْهُمَا بَعْدِي إِلَّا كَذَّابٌ مُّفْتَرٍ وَ لَقَدْ صَلَّى قَبْلَ النَّاسِ بِسَبْعِ سِنِينَ.^۴

نکته قابل تأمل در این کلام، آن‌که امام علی علیه السلام تعبیر «مفتری» را برای کسی شایسته دانسته که ایشان را صدیق اکبر ندانسته و خود را بدین وصف بخواند؛ نقطه نظری که کاملاً در تعارض با روایت «حد مفتری» قرار دارد. درباره نقد تحریر ناظر به نکوهش نیز مطالب بسیاری قابل ارائه است که به علت محدودیت مجال امکال تفصیل آن نیست. با این حال، حتی اگر جز خطبه ششگانه نبود، برای اطلاع از رویکرد انتقادی علی علیه السلام و محدودیت‌های ایشان برای ابراز انتقادات نسبت به خلفا کافی بود.^۵ برای تفصیل و شواهد بیشتر درباره رویکرد انتقادی امام علیه السلام نسبت به خلفا و

۱. الجامع لمعمر بن راشد، ج ۱۱، ص ۲۲۶؛ فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۱۱ و ...

۲. رک: نهج البلاغة، ص ۳۶۹ و ۳۸۷-۳۸۵؛ کتاب الفتح، ج ۲، ص ۵۵۸؛ وقعة صفین، ص ۹۰-۸۹.

۳. شرح نهج البلاغة، ج ۴، ص ۱۲۲؛ هم چنین رک: السنن (ع)، ج ۲، ص ۵۹۸.

۴. المصنف فی الأحادیث و الآثار، ج ۶، ص ۳۶۸.

۵. برای اطلاع از اسناد این خطبه، به عنوان نمونه رک: نصوص و ابحاث حول نهج البلاغة و مدونه، ص ۱۸-۱۴.

تمایزات سیره و عملکرد ایشان به منبع ذیل مراجعه نمایید.^۱

۲-۴. انتساب موازی روایت «حد مفتری» به عمر بن خطاب

انتساب موازی روایت «حد مفتری» به خلیفه دوم از جمله دیگر قراینی است که در کنار شواهد سابق الذکر، انتساب این خبر به علی بن ابی طالب علیه السلام را با تردید مواجه می‌کند. از عبدالرحمن بن ابی لیلی نقل شده که عمر بن خطاب خطبه‌ای خوانده و در ضمن آن گفته:

أَلَا إِنَّ خَيْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبُو بَكْرٍ، فَسَنَ قَالَ سِوَى ذَلِكَ بَعْدَ مَقَامِي هَذَا فَهُوَ مُفْتَرٍ عَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُفْتَرِي. ^۲

از عامر شعبی نیز نقل شده که عمر بن خطاب به کارگزاران خود ابلاغیه‌های کتبی صادر می‌کرد که:

مَنْ فَضَّلَنِي عَلَى أَبِي بَكْرٍ فَاصْرِبُوهُ حَدَّ الْمُفْتَرِي، أَوْ قَالَ أَرْبَعِينَ سَوْطًا. ^۳

همچنین باز به نقل از شعبی از خلیفه دوم گزارش شده که وی گفته است:

لَا أَسْمَعُ بِأَحَدٍ فَضَّلَنِي عَلَى أَبِي بَكْرٍ إِلَّا جَلَدْتُهُ أَرْبَعِينَ. ^۴

طبق نقلی دیگر، فردی عمر را افضل از ابوبکر معرفی می‌کند. خبر این امر به خلیفه دوم می‌رسد. او با تازیانه فرد مزبور را مورد ضرب قرار داده و با یاد از فضیلت ابوبکر هشدار می‌دهد:

مَنْ قَالَ غَيْرَ ذَلِكَ وَجَبَ عَلَيْهِ حَدَّ الْمُفْتَرِي. ^۵

چنین همسانی بالایی، حتی در الفاظ، میان روایت منسوب به علی علیه السلام و گزارش منسوب به خلیفه دوم می‌تواند این فرض را تقویت کند که مضمون و جمله بندی خبر حد مفتری از قول منسوب به عمر بن خطاب برگرفته شده باشد.

۵. تاریخ‌گذاری روایت «حد مفتری»

در این بخش، بر اساس قراین گفتمان‌شناسی تاریخی و شواهد سندی، به تاریخ‌گذاری

۱. امام علی علیه السلام و خلفا: نقدها و تمایزها، سرتاسر.

۲. فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۱۸۲.

۳. کتاب جمل من انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۸۲.

۴. المصنف فی الأحادیث والآثار، ج ۶، ص ۳۴۹.

۵. المحلی بالآثار، ج ۱۲، ص ۲۵۱-۲۵۲.

خبر حد مفتری می‌پردازیم. در مقطع ناظر به گفتمان شناسی تاریخی، بازه زمانی و بستر شکل‌گیری اختلاف درباره رتبه‌بندی خلفا توضیح داده شده و سپس با کنار هم قرار دادن شواهد تاریخی مختص به زمان طرح اختلاف درباره رتبه علی (ع) نسبت به شیخین و مقایسه آن با طبقه ناشران اصلی خبر، تاریخ تقریبی پدیداری و تطور خبر تبیین گردیده است.

۱-۵. قراین گفتمان شناسی تاریخی

چنان که گذشت، واکنش ابراهیم نخعی (م ۹۶ق) به فردی که گفته بود: «علی (ع) از ابوبکر و عمر برای من محبوب‌تر است»، این کلام بود که:

أَمَا إِنَّ عَلِيًّا لَوْ سَمِعَ كَلَامَكَ لَأَوْجَعَ ظَهْرَكَ.^۱

این پاسخ، همسانی غیرقابل انکاری با خبر حد مفتری دارد و می‌توان گفت که اساساً ناظر به همین خبر و با آگاهی از آن بیان شده است. بدین رو، می‌توان نتیجه گرفت که این روایت حداقل از زمانی در دهه نود هجری، در کوفه شناخته شده بوده است. برای درک بهتر از چرایی و چگونگی این اختلاف نظر درباره رتبه علی (ع) نسبت به خلفا باید به تاریخ مسئله «تفاضل خلفا» و گفتمان‌هایی که بستراین مسئله شدند، توجه کرد.

۱-۱-۵. مناقشه درباره ترتیب «تفاضل خلفا» به مثابه بستر اولیه تکوین خبر «حد مفتری»

شواهد نشان می‌دهد که چگونگی تفاضل خلفا به‌ویژه، رتبه علی (ع) نسبت به شیخین، کم‌کم از اواخر قرن نخست هجری به بعد، به صورت یک مسئله مناقشه‌برانگیز عمومی مطرح شد. واکنش ابراهیم نخعی (م ۹۶ق) به تفضیل علی (ع) بر شیخین نشان می‌دهد که مسئله ترتیب تفاضل خلفا، حداقل از سال‌های پایانی قرن نخست در کوفه مورد توجه، مباحثه و اختلاف نظر قرار گرفته است. «کتاب الرد علی الحسن البصری (م ۱۰ق) فی التفضیل»، از تألیفات برشمرده شده برای فضل بن شاذان را،^۲ در کنار واکنش ابراهیم نخعی می‌توان شاهد دیگری بر مطرح بودن مسئله چگونگی تفاضل خلفا، حداقل در دهه نود هجری قرن اول و دهه آغازین قرن دوم دانست.

باید توجه داشت که اختلاف در تفاضل ورده‌بندی خلفا عمدتاً به طور طبیعی درباره خلفائی امکان بروز داشته که ابتدا مشروعیت آنان مورد پذیرش افراد اختلاف‌کننده باشد تا

۱. الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۸۳.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۰۷.

سپس مسئله رده‌بندی آنان به لحاظ فضیلت مطرح گردد. به همین سبب نیز به مرور، از قرن دوم به بعد، با مطرح شدن نظریه تربیع در عراق^۱ و پیدایش طیف‌های تربیعی و کمتر متصلب میان عثمانیان و نیز شیعیان سیاسی عراقی، مسئله تفاضل خلفا حرارت بیشتری نیز یافت.^۲ در همین زمینه، تاریخ درگذشت چهار حلقه مشترک اسناد (۱۳۶ق، ۱۵۳ق، ۱۶۷ق و مابین ۱۸۰-۱۷۴ق) نیز نشان می‌دهد که این مسئله از همین قرن دوم بسیار مطرح نظر و مناقشه برانگیز شده است.

لازم به ذکر است که مسئله تفاضل خلفا از حدود این بازه زمانی به بعد، به عنوان یک مسئله مذهبی مناقشه برانگیز مطرح می‌شد و این بدان معنا نیست که قبلاً اظهار نظر خود خلفا یا پیروانشان در «تفضیل» وجود نداشته است. با این حال، شواهد قابل اتکائی در دست نیست که نشان دهد «تفاضل خلفا» پیش از سال‌های پایانی قرن نخست به صورت یک دغدغه مناقشه برانگیز مذهبی درآمده باشد. مهم‌تر از آن، شاهدی در دست نیست که نشان دهد پیش از سال‌های پایانی قرن نخست، در میان کسانی که هم‌زمان به مشروعیت علی علیه السلام و شیخین باور داشتند، رتبه علی علیه السلام نسبت به دو خلیفه اول به صورت یک مسئله عمومی مورد مباحثه و اختلاف قرار گرفته باشد.

۵-۱-۱-۱. گفت‌مان تشیع غیر امامتی عراقی در برابر گفت‌مان تشیع بُتری (گونه‌ای از تشیع تفضیلی)

الف. بُتریه

می‌توان گفت اولین کسانی که تفضیل علی بن ابی طالب علیه السلام را بر شیخین، در عین پذیرش مشروعیت هر سه، مورد تأکید قرار دادند، بُتریه بودند که جریانی پیشازیدی^۳ بوده و

۱. رک: «عثمانیه و شیعه در دو قرن نخست هجری»، ص ۱۱۶، همچنین: «عثمانیه»، ص ۱۰۵-۱۰۴.

۲. این حال به نظر می‌رسد که پیدایش تربیع حتی به زمانی متقدم‌تر از آنچه در دو منبع اخیر ذکر شده می‌رسد. تابعی مشهور قتاده بصری (م ۱۸/۱۱۷ق) شنیده بود که گروهی «یَفْضَلُونَ عَلِيَا عَلَي عُثْمَانَ»، پس خشمگین شده و گفته بود: «وَاللَّهِ مَا كَانَ عَلِي هَذَا أَوْلِيَكُمْ. يَعْنِي أَهْلَ الْبَصْرَةِ» (مسند ابن الجعد، ص ۱۶۳-۱۶۴). این نشان می‌دهد که پیش از مرگ قتاده در سال ۱۱۷ یا ۱۱۸ق، در بصره افرادی رتبه علی علیه السلام را افضل از عثمان می‌دانسته‌اند که طبیعتاً لازمه‌اش پذیرش مشروعیت علی علیه السلام و عثمان بوده است. این گزارش پیشینه نظریه تربیع را حداقل به دهه دوم قرن دوم می‌رساند.

۳. معجم ابن الأعرابی، ج ۲، ص ۴۹۰؛ تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۴۳۱؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۷، ص ۲۵۳؛ ایضاً رک: فرقه‌های اسلامی و مسئله امامت: [متن و] ترجمه «مسائل الامامة»، ص ۲۱۸-۲۱۷.

۳. به عنوان نمونه، حکم بن عتیبه از وجوه بُتریه دانسته شده است (فرق الشیعة، ص ۵۷). از شعبه نقل شده که او علی را بر ابوبکر و عمر تفضیل می‌داد (سیر أعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۰۹). حکم در سال ۱۱۵ق، از دنیا رفته (همان، ج ۵، ص ۲۱۲)؛ در حالی که قیام زید در سال ۱۲۲ق، به وقوع پیوست.

پس از قیام زید (۱۲۲ق) گرایش زیدی در آنان پدیدار شد. از مهم‌ترین وجه تمایزهای بُت‌ریه، تفضیل علی (ع) بر شیخین در عین پذیرش مشروعیت آنان بوده است.^۱ دیدگاه بُت‌ریه در پذیرش همزمان مشروعیت و مفضول بودن شیخین بحث فاضل و مفضول را در پی داشت و بدین سبب، از آنان با عبارت «هم الذین قالوا بالفاضل والمفضول» یاد شده است.^۲ برخی معتزله نیز از این لحاظ به آنان پیوستند.^۳

ب. شیعیان عراقی غیر امامتی

شیعیان عراقی غیر امامتی طیفی از کسانی بودند که قایل به مشروعیت شیخین و علی (ع) نه به عنوان امامی منصوب از جانب خدا، بوده و عثمان را نمی‌پذیرفتند؛ گرچه در طول زمان دچار تطور شدند.^۴ اینان ابوبکر و عمر را افضل از علی (ع) می‌دانستند.^۵ این متشیعان در کوفه در ماجرای نهی علی (ع) از به جماعت خواندن نماز تراویح، «وا عمراه» سر داده بودند.^۶ همچنین این متشیعان به علی (ع) گفته بودند:

أعطينا سنة العُمَرین.^۷

بنابراین، بُت‌ریه و شیعیان غیر امامتی عراقی که هر دو جریان قایل به مشروعیت شیخین و علی (ع) بودند، از لحاظ تفضیل شیخین یا علی (ع) بر یکدیگر، دیدگاه کاملاً متفاوتی داشتند.

ج. تضاد شیعیان عراقی غیر امامتی با شیعیان تفضیل‌دهنده علی (ع) بر شیخین

شریک بن عبدالله نخعی (م ۱۷۷ق) - که از «کبار الشیعه» بر شمرده می‌شد - می‌گفت: شیخین بهتر از علی (ع) هستند و اگر غیر از این بگویم شیعه علی نیستم. او در استدلال بر این دیدگاه خود می‌گفت که علی (ع) بر این منبر [منبر کوفه] رفته و گفته است: «ألا انّ خیر هذه الأمة بعد نبیها ابوبکر و عمر».^۸ گفته شریک را باید در چارچوب واکنش به تفضیل

۱. فرق الشیعة، ص ۲۰؛ درباره تفضیل علی (ع) بر شیخین توسط بُت‌ریه ایضاً رک: کلام و جامعه، ص ۳۴۴.

۲. گرایش‌ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری (الزینة)، ص ۲۴۷.

۳. رک: همان‌جا.

۴. برای اطلاع از ویژگی‌های انواع تشیع نظیر «تشیع عراقی (سیاسی)»، «تشیع امامتی - اعتقادی» و ... رک: تاریخ تشیع در ایران، ذیل عنوان: «تعریف تشیع و انواع آن».

۵. تثبیت دلائل النبوة، ج ۱، ص ۶۳-۶۲.

۶. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۷۰.

۷. الکامل فی اللغة و الأدب، ج ۱، ص ۱۱۹. هم چنین رک: الصحیح من سیرة النبی الأعظم (ع)، ج ۳، ص ۲۳۸-۲۳۹.

۸. تثبیت دلائل النبوة، ج ۲، ص ۵۴۹.

علی علیه السلام بر شیخین فهمید. پاسخ ابراهیم نخعی (م ۹۶ق) به فردی که علی علیه السلام را بر شیخین برتری می داد^۱ نیز واکنش همین جریان را نمایندگی می کند. لیث بن ابی سلیم از محدثین کوفه بعد از سال ۶۰ق، و احتمالاً در حکومت یزید به دنیا آمده^۲ و گفته اند که در سال ۱۳۸ یا ۴۳ق، درگذشته است.^۳ از وی نقل کرده اند که گفته است:

أَذْرَكْتُ الشَّيْبَةَ الْأُولَى بِالْكَوْفَةِ وَمَا يَفْضُلُونَ عَلَيَّ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ أَحَدًا.^۴

«شیعیان نخستین» در کلام لیث ناظر به همین شیعیان عراقی است. مشابه همین نظراز ابوالقاسم بلخی (م ۳۱۹ق)، متکلم معتزلی، نیز گزارش شده است:

وقد كانت الشيعة الأولى تفضلُ أبا بكرٍ وعمر عليه [علي عليه السلام].^۵

با توجه به تولد لیث در دهه شصت می توان گفت این شیعیان نخستینی که لیث درک کرده بود، طبیعتاً دست کم تا دهه هشتاد را شامل می شده و بدین سان می توان پذیرفت که حداقل تا حدود دهه هشتاد هنوز گفتمان تفضیل علی علیه السلام بر شیخین به نحو جدی در میان متشیعیان کوفی مطرح نبوده و یا حداقل بروز قابل توجهی نداشته و نظریه واکنش ابراهیم نخعی (م ۹۶ق) از حدود دهه نود هجری، گفتمان تفضیل علی علیه السلام بر شیخین (گفتمان بُتریه) چالش برانگیز شده بوده است. در واکنش به چنین چالشی بود که سفیان ثوری (م ۱۶۱ق) می گفت:

ما أرى من ترك تقديم أبي بكرٍ وعمر إلا طاعناً على أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله.^۶

حتی ابوالجحاف داود بن ابی عوف (م. مابین ۱۴۰-۱۳۱ق)، که «فی جملة متشیعی أهل الكوفة» دانسته می شد و «عامّة ما یرویه فی فضائل أهل البيت» بود،^۷ مصداق «غالی» در میان شیعیان متقدم را «الذی یفضّل علیاً علی ابی بکرٍ وعمر» می دانست.^۸

۱. الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۸۳.

۲. سیر أعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۷۹.

۳. همان جا.

۴. سیر أعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۸۲.

۵. تثبیت دلائل النبوة، ج ۱، ص ۶۳-۶۲.

۶. معرفة الرجال عن یحیی بن معین بن معین، ج ۲، ص ۲۴.

۷. الكامل فی ضعفاء الرجال، ج ۳، ص ۵۴۴.

۸. معرفة الرجال عن یحیی بن معین بن معین، ج ۲، ص ۲۴.

۵-۱-۲. گفتمان عثمانیان در برابر بُتریه

عثمانیان در طول زمان دچار تطورهایی شدند. از جمله حداقل از اوایل قرن دوم طیفی از آنان در عین باور به افضلیت عثمان بر علی علیه السلام موضع برائت جویانه‌ای نسبت به امام علیه السلام نداشته و حتی برخی مشروعیت و افضلیت ایشان را پس از عثمان می‌پذیرفتند.^۱ این گفتمان کم‌کم گسترش یافت تا در قرن سوم توسط ابن حنبل تثبیت یافت. طبیعتاً این طیف از عثمانیه در مسئله تفاضل میان خلفای مشروع دغدغه‌مند بوده و با توجه به این‌که نمی‌توانستند حتی افضلیت علی علیه السلام بر عثمان را بپذیرند، به طریق اولی باور به برتری ایشان بر شیخین را نیز بر نمی‌تافتند.

۵-۱-۲. تقدم تحریر ناظر به «تفضیل» بر تحریر ناظر به «نکوهش»

نظربدین که متن روایت حد مفتری در اکثر یادکردها بر مسئله «تفضیل» و نه «مشروعیت» متمرکز است و با توجه به شهادت مبنی بر حس لیث بن ابی سلیم (م ۱۳۸ق یا ۴۳ق) و همچنین با توجه به سخن سابق الذکر ابراهیم نخعی (م ۹۶ق)، به نظر می‌رسد که خبر «حد مفتری» به احتمال بسیار در حدود دهه ۹۰ قرن نخست، ابتدا ناظر به بحث «تفضیل» و اصالتاً در تقابل با متشیعان تفضیلی (بُتریه) نشر یافته باشد و سپس ویرایش دیگری از آن، برای تقابل با باور شیعیان امامتی - اعتقادی درباره‌ی خلافت دو خلیفه نخست تطور یافته باشد؛ به ویژه که تشیع امامتی - اعتقادی کم‌کم از زمان محمد بن علی الباقر علیه السلام به نحو قابل توجهی بروز کرد و پیش از آن به سبب اختناق بیشتر و کم‌تعدادتر بودن نسبت به شیعیان غیر امامتی ظهور چشم‌گیری در جامعه مسلمین نداشتند.

۵-۲. قراین سندی

تاریخ‌گذاری سابق‌الذکر با دوران حیات متقدم‌ترین ناشران عمده‌ی خبر حد مفتری نیز از انسجام قابل توجهی برخوردار است (عبدالملک بن عمیر (م ۱۳۶ق)، حسن بن عماره (م ۱۵۳ق) و محمد بن طلحه (م ۱۶۷ق)). طبیعتاً تحریر ناظر به نکوهش نیز با توجه به دوران زندگی دو ناشر اصلی آن تحریر، عبدالملک بن عمیر و حسن بن عماره، حداکثر باید در نیمه نخست قرن دوم پدید آمده باشد.

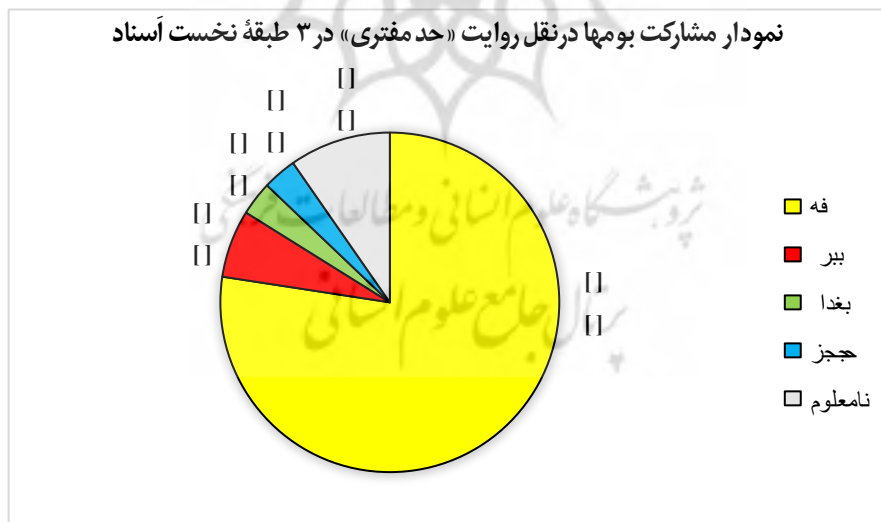
۶. بوم‌شناسی روایت «حد مفتری»

طبق بررسی انجام شده، در شش‌گونه از اسانید هشت‌گانه‌ی خبر حد مفتری، اکثر قریب به

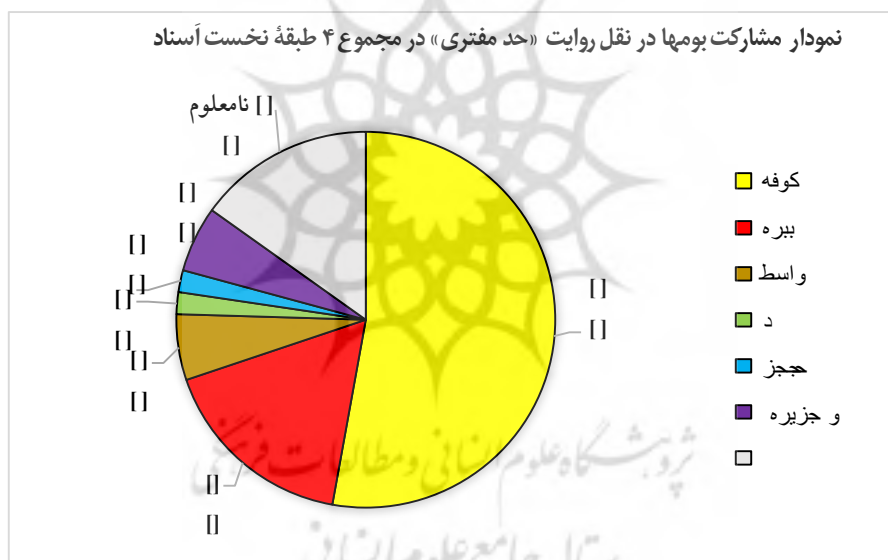
۱. رک: «عثمانیه و شیعه در دو قرن نخست هجری»، ص ۱۱۶، همچنین: «عثمانیه»، ص ۱۰۵-۱۰۴.

اتفاق راویان سه طبقه پس از امام علی علیه السلام کوفی بوده و یا در بخشی از عمر خویش ساکن کوفه بوده‌اند.^۱ در طبقه چهارم فراوانی بصریان بیش از دیگر بوم‌هاست. نهایتاً به طور کل و با فاصله بسیار، اکثریت راویان اسنادِ خبر حدِ مفتی تا طبقه چهارم را کوفیان تشکیل داده‌اند.

جدول فراوانی مشارکت بوم‌ها در نقل روایت «حد مفتی»			
بوم	سه طبقه نخست سند	طبقه چهارم سند	مجموع چهار طبقه اسناد
کوفه	۲۴	۴	۲۸
بصره	۲	۷	۹
واسط	-	۳	۳
بغداد	۱	-	۱
حجاز	۱	-	۱
شام و جزیره	-	۳	۳
نامعلوم	۳	۵	۸



۱. مانند حسن بن عماره (م ۱۵۳ق) که ساکن کوفه و نیز بغداد بوده است.



اکثریت کوفی راویان این خبر در سه طبقه نخست، می‌تواند دلالت بر آن داشته باشد که این روایت اساساً در بوم کوفه و در بستر مناظرات جریان‌های کوفی درباره چگونگی تفاضل خلفا پدید آمده است؛ به ویژه که هر سه ناشر متقدم و عمده این روایت، یعنی عبدالملک بن عمیر (م ۱۳۶ق)، محمد بن طلحه (م ۱۶۷ق) و حسن بن عماره (م ۱۵۳ق) کوفی بوده‌اند. همچنین قرینه دیگری می‌تواند کوفی المنشأ بودن روایت حد مفتری را تقویت کند و آن، تمرکز اکثر یادکردهای این روایت بر مسئله «تفضیل و تفاضل خلفا» است. طبیعتاً اختلاف بر سر رتبه علی علیه السلام

نسبت به شیخین، در شرایطی امکان پذیرتر است که مشروعیت ایشان به عنوان خلیفه پذیرفته شده باشد و چنین زمینه‌ای بیش از هر بوم دیگری در کوفه فراهم بوده است؛ چرا که از سویی در کوفه گونه‌های مختلفی از تشیع در کنار یکدیگر قرار داشته و زمینه برای اصطکاک دربارهٔ رتبهٔ فضل علی علیه السلام به عنوان خلیفه‌ای مشروع بیش از هر بوم دیگری در این منطقه وجود داشته است.

نتیجه

یافته‌های پژوهش حاضر به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. خبر «حد مفتی» با دو تحریر به امام علی علیه السلام نسبت داده شده است. یک تحریر ناظر به «تفضیل دهندگان» علی علیه السلام و تحریر دیگر، ناظر به «نکوهش کنندگان» از شیخین است. اکثر طرق خبر حد مفتی متعلق به تحریر ناظر به «تفضیل» است.
۲. وجود روایان شناخته شده به کذب، وضع و تصرف در متون و اسانید، عثمانی‌گری، ارسال در سند و مجهول بودن برخی روایان از جمله آسیب‌هایی هستند که اعتبار اسناد این روایت را با چالش جدی مواجه می‌کنند. ناشران اصلی این روایت نیز بعضاً یا کلاً به ضعف در عملکرد روایی، وضع اسانید و اخبار و گرایش عثمانی شناخته شده‌اند.
۳. اکثر روایان خبر حد مفتی تا طبقهٔ چهارم نسبت کوفی داشته‌اند و تنها در طبقهٔ چهارم فراوانی بصریان به میزان چند تن بیش از کوفیان است. طبیعتاً فراوانی بیشتر گونه‌های تشیع در کوفه و گستردگی پذیرش مشروعیت علی علیه السلام در این بوم، زمینه بیشتری برای برخورد و اصطکاک جریان‌های مختلف دربارهٔ رتبهٔ فضل علی علیه السلام به عنوان خلیفه‌ای مشروع فراهم می‌کرده و این امر می‌تواند تبیین‌کنندهٔ اکثریت کوفی در نخستین طبقات اسانید این خبر پس از امام باشد.
۴. مناظرات کلامی و مذهبی دربارهٔ چگونگی «تفاضل خلفا»، به ویژه میان طیف‌های مختلف شیعی و نیز طیفی از عثمانیان، بستری پیدایش روایت حد مفتی بوده است.
۵. از قراین تاریخی و سندی استنباط می‌شود که به احتمال بسیار، ابتدا تحریر ناظر به «تفضیل» در حدود دههٔ ۹۰ قرن اول، در کوفه، شکل یافته و سپس تحریر دیگری از آن ناظر به نکوهش از شیخین، حداکثر در طی نیمهٔ نخست قرن دوم تطور یافته است.

تشکر و قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب سپاس و قدردانی خویش را از آقایان دکتر محمد قندهاری، علی عادل زاده و حامد صابر که لطف نموده و نقطه نظرات ارزشمند خویش را دربارهٔ این مقاله با آنان به اشتراک گذاشتند، اعلام نمایند.

کتابنامه

قرآن مجید

- أبو زرعة الرازي وجهوده في السنة النبوية، سعدى بن مهدي الهاشمي، المدينة النبوية: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، ١٤٠٢ق.
- الإحتجاج على أهل اللجاج، احمد بن على الطبرسي، تحقيق: محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضى، ١٤٠٣ق.
- أخبار القضاة، ابوبكر محمد وكيع الضبي، صححه وعلق عليه وخرج أحاديثه: عبدالعزيز مصطفى المراغي، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، ١٣٦٦ق.
- اختيار معرفة الرجال، محمد بن عمر كشي، محقق: سيد مهدي رجائي، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ١٤٠٤ق.
- الإرشاد في معرفة حُجج الله على العباد، الشيخ المفيد، تحقيق: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ق.
- الإستيعاب في معرفة الأصحاب، يوسف بن عبد البر، تحقيق: على محمد البجاوي، بيروت: دارالجيل، ١٤١٢ق.
- أسد الغابة، ابن الأثير، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٩ق.
- الإعتقاد و الهداية إلى سبيل الرشاد على مذهب السلف و أصحاب الحديث، ابوبكر احمد البيهقي، تحقيق: أحمد عصام الكاتب، بيروت: دارالآفاق الجديدة، ١٤٠١ق.
- الإفصاح في الامامة، الشيخ المفيد، تحقيق: كنگره شيخ مفيد، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ق.
- الأمالي، الشيخ المفيد، تحقيق: حسين استاد ولي و على اكبر غفاري، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ق.
- امام على عليه السلام و خلفاء: نقدها و تمايزها، اكبر احمد پور، مشهد: بنياد پژوهش های اسلامي، ١٣٩٤ش.
- الإنتصار للقرآن، ابوبكر محمد الباقلاني، تحقيق: د. محمد عصام القضاة، عمان: دارالفتح، بيروت: دار ابن حزم، ١٤٢٢ق.
- الأنساب، عبدالكريم بن محمد السمعاني، تحقيق: عبدالرحمن بن يحيى المعلمي اليماني وغيره، حيدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية، ١٩٦٢م.

- بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد ﷺ، محمد بن حسن الصفار، تحقيق: محسن بن عباسعلى كوجه باغى، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ١٤٠٤ق.
- تاريخ الأمم و الملوك، محمد بن جرير الطبرى، تحقيق: محمد أبو الفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث، ط ٢، ١٣٨٧ق.
- تاريخ الكبير، محمد بن اسماعيل البخارى، طبع تحت مراقبة: محمد عبدالمعيد خان، حيدرآباد الدكن: دائرة المعارف العثمانية، بى تا.
- تاريخ بغداد، الخطيب البغدادي، تحقيق: الدكتور بشار عواد معروف، بيروت: دار الغرب الإسلامى، ١٤٢٢ق.
- تاريخ تشيع در ايران، رسول جعفریان، تهران: نشر علم، ١٣٩٥ش.
- تاريخ دمشق، ابن عساكر، تحقيق: عمرو بن غرامة العمروى، بى جا: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٥ق.
- تاريخ واسط، ابوالحسن الواسطى بحشل، تحقيق: كوركيس عواد، بيروت: عالم الكتب، ١٤٠٦ق.
- تثبيت دلائل النبوة، قاضى عبدالجبار، ابوالحسين معتزلى قاهره: دارالمصطفى، بى تا.
- تشبيد المراجعات و تنفيذ المكابرات، سيد على حسيني ميلانى، بى جا: مركز تحقيق و ترجمه و نشر آلاء، ط ٢، ١٤٢٥ق.
- تقريب التهذيب، ابن حجر العسقلانى، تحقيق: محمد عوامة، سوريا: دار الرشيد، ١٤٠٦ق.
- تهذيب الأحكام، محمد بن الحسن الطوسى، تحقيق: حسن خرسان الموسوى، تهران: دار الكتب الاسلامية، ١٤٠٧ق.
- تهذيب الآثار و تفصيل الثابت عن رسول الله من الأخبار، محمد بن جرير الطبرى، محقق: محمود محمد شاكر، قاهره: المطبعة المدنى، بى تا.
- تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، ابوالحجاج يوسف الموزى، تحقيق د. بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٠ق.
- الجامع لمعمر بن راشد، معمر بن راشد، طبع فى نهاية مصنف عبدالرزاق الصنعانى، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى، صدر عن المجلس العلمى بباكستان و توزيع المكتب الإسلامى ببيروت، ١٤٠٣ق.
- الجرح و التعديل، ابن ابى حاتم الرازى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٩٥٢م.
- حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، ابونعيم الأصفهاني، احمد بجوار محافظة مصر: السعادة، ١٣٩٤ق.

- رجال البرقي، احمد البرقي، تحقيق: حسن مصطفوي، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٤٢ش.
- رجال النجاشي، احمد بن علي النجاشي، تحقيق: سيد موسى شبيري زنجاني، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ج ٦، ١٣٦٥ش.
- السنة (خ)، ابوبكر احمد بن خلال الحنبلي، تحقيق: د. عطية الزهراني، الرياض: دارالراية. ابوبكر خلال، ١٤١٠ق.
- السنة (عا)، ابن ابي عاصم، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، بيروت: المكتب الإسلامي، ١٤٠٠ق.
- السنة (عب)، عبدالله بن احمد بن حنبل، تحقيق: د. محمد بن سعيد بن سالم القحطاني، الدمام: دار ابن القيم، ١٤٠٦ق.
- سنن الترمذي، أبو عيسى الترمذي، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: دار الغرب الإسلامي، ١٩٩٨م.
- سير أعلام النبلاء، شمس الدين الذهبي، تحقيق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، بی جا: مؤسسة الرسالة، ط ٣، ١٤٠٥ق.
- شرح أصول اعتقاد أهل السنة و الجماعة، أبو القاسم اللالكائي، تحقيق: أحمد بن سعد بن حمدان الغامدي، السعودية: دار طيبة، ط ٨، ١٤٢٣ق.
- شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قاضي نعمان المغربي، محمد حسين حسيني جلالی، قم: جامعة مدرسین، ١٤٠٩ق.
- شرح نهج البلاغة، ابن ابي الحديد، تحقيق: محمد ابو الفضل ابراهيم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ١٤٠٤ق.
- الشريعة، أبوبكر محمد بن الحسين الآجری البغدادي، تحقيق: الدكتور عبدالله بن عمر بن سليمان الدميجي، ط: ٢، الرياض: دار الوطن، ١٤٢٠ق.
- الصحيح من سيرة النبي الأعظم صلى الله عليه وآله، سيد جعفر مرتضى عاملي، قم: دار الحديث، ١٤٢٦ق.
- الصراط المستقيم الى مستحقى التقديم، على بن محمد النباطي البياضي، تحقيق: ميخائيل رمضان، نجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٨٤ق.
- الضعفاء الكبير، ابو جعفر محمد العقيلي، تحقيق: عبد المعطي أمين قلجعي، بيروت: دار المكتبة العلمية، ١٤٠٤ق.

- الطبقات الكبرى (صا)، محمد بن سعد، محقق: إحسان عباس، بيروت: دار صادر، ۱۹۶۸م.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۰ق.
- طبقات المحدثين بأصبهان و الواردين عليها، ابوالشيخ، تحقيق: عبدالغفور عبدالحق حسين البلوشي، بيروت: مؤسسة الرسالة، ط ۲، ۱۴۱۲ق.
- طبقات المدلسين، ابن حجر العسقلاني، تحقيق: د. عاصم بن عبدالله القريوتي، عمان: مكتبة المنار، ۱۴۰۳ق.
- العثمانية، عمرو بن بحر الجاحظ، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، بيروت: دارالجيل، ۱۴۱۱ق.
- عثمانيه، مهدي فرمانيان و پاتريشيا كرون، در: مجموعه مقالات فرق تسنن، به كوشش: مهدي فرمانيان، قم: نشر اديان، چ ۳، ۱۳۸۸ش.
- العقد الفريد، ابن عبدربه، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۰۴ق.
- العلل الواردة في الأحاديث النبوية، ابوالحسن الدارقطني، المجلدات من الأول إلى الحادي عشر، تحقيق و تخريج: محفوظ الرحمن زين الله السلفي، الرياض: دارطيبة؛ المجلدات من الثاني عشر إلى الخامس عشر، علق عليه: محمد بن صالح بن محمد الدباسي، الدمام: دار ابن الجوزي، ۱۴۰۵ق و ۱۴۲۷ق.
- العواصم من القواصم في تحقيق مواقف الصحابة بعد وفاة النبي ﷺ، ابوبكر بن العربي المالكي، تحقيق: محب الدين الخطيب و محمود مهدي الاستانبولي، بيروت: دارالجيل، ۱۴۰۷ق.
- عيون اخبار الرضا عليه السلام، ابن بابويه، تحقيق: مهدي لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- الغارات، ابواسحاق ابراهيم الثقفي، تحقيق: عبدالزهراء حسيني، قم: دارالكتاب الاسلامي، ۱۴۱۰ق.
- فرق الشيعة، حسن بن موسى النوبختي، بيروت: دارالاضواء، چ ۲، ۱۴۰۴ق.
- فرقه های اسلامی و مسئله امامت: [متن و] ترجمه «مسائل الامامة» و «مقتطفات من الكتاب الاوسط»، عبدالله بن محمد ناشی اكبر، مترجم: علي رضا ايماني، قم: انتشارات دانشگاه اديان و مذاهب، چ ۳، ۱۳۹۶ش.
- الفصول المختارة، الشيخ المفيد، تحقيق: علي ميرشريفی، قم: كنگره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.

- فضائل أبي بكر الصديق عبدالله بن عثمان التيمي رضى الله عنه، محمد بن عشارى الحنبلى، محقق: عمرو عبدالمنعم، طنطا: دار الصحابة للتراث، ١٤١٣ق.
- فضائل الخلفاء الأربعة وغيرهم، ابونعيم الأصفهاني، تحقيق: صالح بن محمد العقيل، المدينة المنورة: دار البخارى للنشر والتوزيع، ١٤١٧ق.
- فضائل الصحابة، احمد بن حنبل، تحقيق: دكتوروصى الله محمد عباس، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٣ق.
- قاموس الرجال، محمدتقى شوشترى، تحقيق و نشر: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ج ٢، ١٤١٠ق.
- الكامل فى اللغة و الأدب، ابوالعباس مُبَرِّد، تحقيق: محمد أبوالفضل إبراهيم، ط ٣، قاهره: دار الفكر العربى، ١٤١٧ق.
- الكامل فى ضعفاء الرجال، عبدالله بن عدى، تحقيق: عادل أحمد عبدالموجود و على محمد معوض و عبدالفتاح أبوسنة، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.
- كتاب الفتوح، احمد بن اعثم، تحقيق: على شيرى، بيروت: دارالأضواء، ١٤١١ق.
- كتاب جمل من انساب الأشراف، احمد بن يحيى البلاذرى، تحقيق: سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ق.
- كشف المَحَجَّة لثمره المُهَجَّة، سيد بن طاوس، محقق: محمد حسون، قم: بوستان كتاب، ج ٢، ١٣٧٥ش.
- الكشف و البيان عن تفسير القرآن، ابواسحاق ثعلبى، تحقيق: أبى محمد بن عاشور، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٢٢ق.
- كلام و جامعه، يوزف فان إس، مترجمان: فرزين بانكى، احمد على حيدرى، قم: انتشارات دانشگاه اديان و مذاهب، ١٣٩٧ش.
- گرايش ها و مذاهب اسلامى در سه قرن نخست هجرى (الزينة)، ابوحاتم الرازى، مترجم: على آقا نورى، قم: انتشارات دانشگاه اديان و مذاهب، ج ٢، ١٣٩٠ش.
- المجالسة و جواهر العلم، ابوبكر احمد الديتورى المالكى، محقق: أبوعبيدة مشهور بن حسن آل سلمان، ام الحصم / بحرين: جمعية التربية الإسلامية، بيروت / لبنان: دار ابن حزم، ١٤١٩ق.
- المجروحين من المحدثين و الضعفاء و المتروكين، محمد بن حبان، تحقيق: محمود إبراهيم

- زايد، حلب: دار الوعى، ١٣٩٦ق.
- المجروحين من المحدثين، محمد بن حبان، محقق: حمدى عبدالمجيد السلفى، رياض: دار الصمىعى للنشر والتوزيع، ١٤٢٠ق.
- المحلى بالآثار، ابومحمد على بن حزم الأندلسى، بيروت: دار الفكر، بى تا.
- المسترشد فى إمامة على بن ابى طالب عليه السلام، محمد بن جرير الطبرى، تحقيق: احمد محمودى، قم: كوشانپور، ١٤١٥ق.
- مسند ابن الجعد، على بن الجعد البغدادى، تحقيق: عامر أحمد حيدر، بيروت: مؤسسة نادر، ١٤١٠ق.
- مسند احمد، احمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط وآخرون، إشراف: دكتور عبدالله بن عبدالمحسن التركى، بى جا: مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ق.
- مسند البزار، أبوبكر البزار، تحقيق: محفوظ الرحمن زين الله (حقق الأجزاء من ١ إلى ٩) وعادل بن سعد (حقق الأجزاء من ١٠ إلى ١٧) وصبرى عبدخالق الشافعى (حقق الجزء ١٨)، المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحكم، ٢٠٠٩-١٩٨٨م.
- المصنف فى الأحاديث والآثار، ابوبكر بن ابى شيبة، تحقيق: كمال يوسف الحوت، الرياض: مكتبة الرشد، ١٤٠٩ق.
- معجم ابن الأعرابى، احمد بن الأعرابى، تحقيق وتخريج: عبدالمحسن بن إبراهيم بن أحمد الحسينى، المملكة العربية السعودية: دار ابن الجوزى، ١٤١٨ق.
- معرفة الثقات من رجال أهل العلم والحديث ومن الضعفاء و ذكر مذاهبهم وأخبارهم، أبوالحسن أحمد العجلى، تحقيق: عبدالعليم عبدالعظيم البستوى، المدينة المنورة: مكتبة الدار، ١٤٠٥ق.
- معرفة الرجال عن يحيى بن معين و فيه عن على بن المدينى و أبى بكر بن أبى شيبة و محمد بن عبد الله بن نمير و غيرهم/ رواية أحمد بن محمد بن القاسم بن محرز، يحيى بن معين، محقق الجزء الأول: محمد كامل القصار، دمشق: مجمع اللغة العربية، ١٤٠٥ق.
- من حديث خيثمة بن سليمان القرشى الأطرابلسى، خيثمة بن سليمان، تحقيق: د. عمر عبدالسلام تدمرى، لبنان: دارالكتاب العربى، ١٤٠٠ق.
- من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمية قم، ٢، ١٤١٣ق.
- المؤتلف و المختلف، أبوالحسن الدارقطنى، تحقيق: موفق بن عبدالله بن عبدالقادر، بيروت:

دار الغرب الإسلامی، ۱۴۰۶ق.

میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، سید حسین مدرسی طباطبائی، ترجمه: سید علی قرائی، رسول جعفریان، قم: نشر مورخ، ۱۳۸۶ش.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، شمس الدین الذهبی، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ق.

نصوص و اباحت حول نهج البلاغة و مدونه، احمد پاکتچی، اعداد: مرتضی سلمان نژاد، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۲ش.

نهج البلاغة، الشریف الرضی، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.

وقعة صفین، نصر بن مزاحم المنقری، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبة آية الله المرعشی، ج ۲، ۱۴۰۴ق.

«بررسی اصالت روایت منقول از امام علی (علیه السلام) درباره اهمیت شناخت ناسخ و منسوخ با استفاده از روش تحلیل اسناد - متن»، علی آهنگ و مجتبی شکوری، فصلنامه علمی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع)، ۱۴۰۰ش، شماره ۴۹.

«حدیث اُسَید بن صفوان؛ نقش جریان شناسی راویان و ساختار اسناد در اصالت سنجی روایت»، علی عادل زاده و عمیدرضا اکبری، دو فصلنامه علمی علوم قرآن و حدیث (دانشگاه فردوسی مشهد)، ۱۴۰۰ش، شماره ۱۰۶.

«حلقه مشترک و پیوندش با مدار»، خالد اُزکان و سیّد علی آقایی، در: تاریخ گذاری حدیث: روش ها و نمونه ها، به کوشش و ویرایش سید علی آقایی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۴ش.

«عثمانیه و شیعه در دو قرن نخست هجری»، سید علی خیرخواه علوی، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام، ۱۳۹۲ش، شماره ۵۵.

کانال تلگرامی برهان: <https://t.me/borrhana>

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (علیه السلام): <https://www.valiasr-aj.com>